



صفحه حافظه روزنامه «فرهیختگان» که معمولاً شنبه هر هفته با خبرها و روایت‌هایی از روزنامه‌ها و رسانه‌های سال‌های گذشته منتشر می‌شد، در ایام دهه فجر انقلاب اسلامی به صورت روزانه منتشر خواهد شد. در این صفحه تلاش خواهیم کرد ضمن مرور وقایع انقلاب، اظهارنظرها و مواضع مهم چهره‌ها و شخصیت‌های سال‌های ابتدایی انقلاب را نیز مورد بازخوانی قرار دهیم.



دانشجویان پیرو خط امام:

شاه مخلوع را باید باشیوه‌های انقلابی پس گرفت، نه‌سازشکارانه

دانشجویان پیرو خط امام که با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران اسناد زیادی از توطئه‌های داخلی و خارجی را کشف و افشا کردند ۱۳ بهمن ۵۸ و در نامه‌ای به امام خمینی درباره آزادی گروگان‌های سفارت آمریکا و بازگرداندن‌شدن شاه مخلوع به ایران نوشتند: «ما به‌دنبال فرمان شما همیشه گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم که آمریکا

هاشمی رفسنجانی: عدم موفقیت نهضت‌های قبل از انقلاب، به‌خاطر

نداشتن یک رهبر بود



آنچنان که محبوب‌ترین چیز پیش این جالب بود. گاهی رهبرانی بودند که از خود نقاط ضعف نشان داده بودند و مردم ایمان به رهبری نداشتند و در رهبری یک مشکلاتی درست شده بود. ایشان در این مدت چند ده‌سالی که شناخته شد، نقطه‌ضعفی نشد که برایشان پیدا کنند. مردم شعار اصلی خود را از زبان ایشان شنیدند و صلاحیت دادن این شعار را در ایشان دیدند. به هر حال ما چیزی که در این یکصدساله اخیر مبارزات‌مان از آن رنج بردیم، نبودن رهبر بوده، والا مردم همیشه مسلمان بودند و این نقیصه هم باوجود ایشان برطرف شد و مردم برای اولین بار رسیدند به یک رهبری که همه شرایط رهبری را داشت و این اثر خودش را داشت. »

سیدحمیدروحانی در نامه خطاب به امام خمینی:

تاریخ‌نگاری در قرن اخیر در انحصار کمونیست‌ها و ماسون‌هاست و در حوزه‌های علمیه جایگاهی ندارد

سیدحمیدروحانی، مسئول دفتر اسناد انقلاب اسلامی ۱۳ بهمن ۶۷ و در نامه‌ای خطاب به امام‌خمینی درباره اهمیت تاریخ‌نگاری و عدم توجه به آن در حوزه‌های علمیه و خطرانی که این مساله برای انقلاب اسلامی دارد، نوشت: «در طی سده پیشین که نهضت‌ها و خیزش‌های اسلامی آسایش و آرامش را از زورمداران و جهان‌خواران سلب کرده است، می‌بینیم که تاریخ‌نگاری، تدوین کتاب‌های درسی و آموزشی، برنامه‌های علمی و فرهنگی، حتی نگارش قصه کودکان در انحصار ماسون‌ها و کمونیست‌ها قرار گرفته است و شگردهایی ازسوی آنان در راه فرهنگ‌زدایی، اسلام‌زدایی، شخصیت‌زدایی و بیگانه‌ساختن توده‌های مسلمان از تاریخ خویشار اسلام به کار گرفته شده است و در راه بدنام کردن پیشوایان مذهبی و رهبران نهضت‌های اسلامی توطئه‌ها و نقشه‌هایی در دست اجرا قرار گرفته است. در این میان دردمندان باید گفت در حوزه علمیه و در مجامع علمی اسلامی علم تاریخ و نگارش آن جایگاهی ندارد. در این مراکز، نه تنها مورخ و تاریخ‌نویس کمتر یافت می‌شود، بلکه کتش به مطالعه تاریخ و سیر در سرگذشت گذشتگان هرگز وجود ندارد. درصورتی که تاریخ از دیدگاه قرآن کریم، منبع تفکر، درس عبرت برای خردمندان، نمایانگر حقایق، نشان‌دهنده فرجام جنایتکاران و ناباوران آیات الهی می‌باشد و می‌بینیم که زینب کبرا، صدیقه صغرا(س) در راه رساندن حماسه عاشورا به ابناء بشر و به همه نسل‌ها به اسارت تن درمی‌دهد و رنج‌های فراوانی تحمل می‌کند. اگر در حوزه‌های علمیه و مجامع روحانی، ارزش و اهمیت تاریخ‌نگاری شناخته می‌شد و علل و اسباب شکست‌ها، ضعف‌ها و لغزش‌های گذشتگان به درستی مورد ارزیابی قرار می‌گرفت، تاریخ‌نگاری در انحصار ماسون‌ها و کمونیست‌ها در نمی‌آمد. اگر به فرمان قرآن کریم گوش فراده می‌شد و سرگذشت گذشتگان موردبررسی و ارزیابی قرار می‌گرفت، امروز سرمایه‌داران تبهکار، روحانی‌نماهای نابکار و روشنفکر مآب‌های جنایتکار نمی‌توانستند با زنگر میدان‌باشند و انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن را به خطر بیندازند. در دوران مشروطه، این سه‌دسته رموز دست در دست یکدیگر دادند و در آن برهه که رهبران مشروطه به قم هجرت کرده بودند، از فرصت بهره سوء گرفته، توده‌ها را به درون سفارت انگلستان کشاندند و نهضت‌عدالتخواهی را به بی‌راه سوق دادند. امروز نیز این سه باند رموز را می‌بینیم که در کنار یکدیگر ایستاده، طه راه آسیب رساندن به انقلاب اسلامی و کشاندن فرزندان انقلاب اسلامی به کژراهه به توطئه نشستند و برآنند که انقلاب اسلامی را زیر پای شیطان بزرگ ذبح کنند. »

امام خمینی:

ما نمی‌گوییم که ارتش نباشد؛ می‌گوییم ارتش نوکر آمریکا نباشد

امام خمینی ۱۳ بهمن ۵۷ و در سخنرانی خود پس از استقرار در مدرسه علوی خطاب به نظامیان ارتشی رژیم پهلوی گفتند: «من به ارتش می‌گویم که ما صلاح شمارا می‌خواهیم. ما نمی‌گوییم نمی‌خواهیم که ارتش در دنیا باشد؛ ما می‌گوییم به شما نوکر نباشید. مستشار آمریکایی بر شما حکومت نکند، صاحب‌منصب‌های اسرائیلی به شما حکومت نکند. ما یک همچو چیزی می‌گوییم. این منطق ماست. ما فریاد می‌کنیم که استقلال می‌خواهیم، استقلال ارتشی می‌خواهیم، ارتش ما استقلال ندارد؛ ما فریادمان این است. ما داریم می‌گوییم آقای‌ها خواهیم شما حاکم خودتان باشید، مستقل باشید؛ آن وقت آن آقا فرض کنید که ارتش یا فلان ارتشید یا فلان مقام ارتشی مقابل ما می‌ایستد! مقاومت‌شان یعنی ما می‌خواهیم حاکم نباشیم و ما

بختیار: اگر امام‌خمینی اعلام جمهوری اسلامی کند، آن را نادیده می‌گیرم

شاپور بختیار، نخست‌وزیر کشور ۱۳ بهمن ۵۷ و در گفت‌وگو با رادیوی ملی فرانسه درباره انقلاب، امام خمینی و آینده حکومت در ایران گفت: «موجودیت و وحدت کشور بر همه مسائل دیگر از جمله آیت‌الله خمینی و قانون اساسی مقدم است. شورش‌ها و بی‌نظمی‌ها نتیجه ۲۵ سال دیکتاتوری شاه است که در این مدت کشور را به سوی بی‌نظمی سوق داده است. » بختیار در پاسخ به سوالی درباره آنکه اگر آیت‌الله خمینی اعلام «جمهوری اسلامی» کند، چه کار خواهد کرد، گفت: «من آن را نادیده خواهم گرفت. درباره دولت وحدت ملی با شخصیت‌هایی چون مهندس مهدی بازرگان، رهبر جنبش آزادی ایران تماس گرفته‌ام. » او در بخش دیگری از اظهارات‌ش گفت: «ارتش برای دموکراسی نیز حق ترتیب دادن رژه نظامی را دارد. آیت‌الله خمینی باید این نکته را دریابد که حکومت من قانونی و تنها حکومت در ایران است. »

رسول صدر علمنی: امام در پاریس تجار و

سرمایه‌داران ایرانی را به دیدار نمی‌پذیرفت

رسول صدرعلملی، کارگردان و فیلمنامه‌نویس ایرانی که در زمان تبعید امام خمینی در پاریس بود، ۱۴ بهمن ۵۷ و در روزنامه اطلاعات درباره محل سکونت امام در نوفل‌لوشاتو و مواجهه امام با تجار و سرمایه‌دارانی که درخواست ملاقات با وی داشتند، می‌نویسد: «در پاریس سه خانه در اختیار آیت‌الله خمینی بود، در خانه شماره یک که خیلی هم کوچک بود آیت‌الله، همسرشان و حاج احمدآقا پسرشان، آقای اشرافی دامادشان و دختر و عروس و دو نوه‌شان زندگی می‌کردند. خانه شماره ۲ که روبه‌روی خانه شماره یک واقع بود، مخصوص اجتماعات دانشجویان ایرانی و در اینجا حضرت آیت‌الله نماز جماعت ظهر و شب را به‌جا می‌آوردند. خانه شماره ۳ مخصوص استراحت و خواب دانشجویان و دیگر پیروان امام بود. بعد از رفتن شاه از ایران و خبر سفر قریب‌الوقوع

کریم سنجابی: صریحاً اعلام می‌کنم جبهه ملی به رهبری امام خمینی وفادار است

کریم سنجابی، رهبر جبهه ملی ایران ۱۳ بهمن ۵۷ و در گفت‌وگو با اسوشیتد پرس گفت: «شاپور بختیار که ادعا دارد معتقد به دموکراسی است، باید از نخست‌وزیری استعفا دهد. پیشوای پرشور میلیون‌ها ایرانی از آیت‌الله خمینی نشانه رای اعتماد مردم به طرح‌های ایشان درباره ایجاد یک جمهوری اسلامی است. مخالفان رهبری آیت‌الله خمینی اقلیت بسیار کمی هستند. صریحاً اعلام می‌کنم که جبهه ملی به جنبش ملی ایران به رهبری حضرت آیت‌الله خمینی وفادار است و این سیاست را همچنان ادامه خواهد داد. »

مهدی نصیری: بعثت پیامبر اکرم و انقلاب

اسلامی، شعارشان واحد و اهدافشان

یگانه است

مهدی نصیری، سردبیر و مدیرمسئول اسبق روزنامه کیهان در نیمه دوم دهه ۶۰ و نیمه اول دهه ۷۰، ۱۲ بهمن ۶۶ در یادداشتی به‌مناسبت دهه فجر با عنوان «انقلاب اسلامی تداوم‌بخش انبیا، نوشت: «در مقاطع مختلف تاریخ بشریت رویش‌ها، تحول‌ها و رستاخیزهای بسیاری صورت پذیرفته است و هر یک به‌نوبه خود منشأ تحولات و دگرگونی‌های فراوانی بوده و ارمغان‌های بسودمندی را به جامعه بشری عرضه داشته‌اند. در مجموع بعثت‌ها و جنبش‌های تحول‌زایی که در طول تاریخ به عینیت رسیده‌اند، دو بعثت و رستاخیز است که با صدها سال فاصله از هم ـ اما در امتداد هم ـ درخشان‌ترین و عمیق‌ترین دستاوردها را در ابعاد مختلف فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و علمی به انسان‌ها ارزانی داشته‌اند. آنچه از این رهگذر عاید حیات محسوس و معقول بشری شده است، به لحاظ کمیت و کیفیت با عوائد هیچ‌یک از نهضت‌ها و جنبش‌های فرهنگی و اجتماعی و دینی دیگر قابل سنجش نیست. اولین از این دو، بعثت محمدابن عبدالله (ص) در جزیره العرب است. این رستاخیز منش و آیینی را بنیان نهاد که بر همه ابعاد و زوایای وجودی انسان و همه ایده‌ها و آرمان‌ها و نیازهای فردی و جمعی او وقوف کامل داشت و جهان‌بینی و ایدئولوژی‌ای را به انسان ارائه داد که قادر به حل تمامی معضلات مادی و معنوی او بود. دومین تحول و دگرگونی بی‌نظیر و گفتنی‌زای تاریخ که در طول امتداد بعثت پیامبر خاتم(ص) است، رستاخیز معاصر یعنی انقلاب اسلامی یا به تعبیر زیبایی‌دشمنان، بنیادگرایی اسلامی است که مهد آن ایران زمین است. بین این دو رستاخیز در ابعاد مختلف تشابه و یگانگی است؛ هر دو از یک منبع جویشده و از

فیدل کاسترو: انقلاب ایران، جنبه‌های نیرومند

مذهبی خود را حفظ خواهد کرد

فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا ۱۳ بهمن ۵۸ و در آستانه بیست‌ویکمین سالگرد انقلاب کوبا و اولین سالگرد انقلاب اسلامی و در گفت‌وگو با نشریه آمریکایی تایم درباره انقلاب اسلامی ایران اظهار داشت: «انقلاب ایران از پشتیبانی نیروی مردمی بیکرانی برخوردار است. این انقلاب توانست شاه را که قوی‌ترین و مجهزترین ارتش‌های منطقه را داشت، با دست خالی شکست دهد، ملت ایران با شجاعت بی‌نظیری جنگید و هزاران هزار شهید داد. من متقدمم که انقلاب ایران همچنان جنبه‌های نیرومند مذهبی و ملی خود را حفظ خواهد کرد. احتمال ندارد و خیال هم نمی‌کنم که مارکسیست‌ها در آینده در ایران روی کار بیایند و خود مارکسیست‌ها هم چنین فکری را ندارند، اما این نکته را بدانید که به عقیده ما هیچ تناقضی میان مذهب و انقلاب وجود ندارد و بارها گفته‌ام که مارکسیست‌ها و مسیحیان دو کشور مسیحی می‌توانند متحدان خوبی باشند. »



می‌خواهیم نوکر باشیم! ما می‌گوییم آقا باش! فریاد می‌زنیم و فعالیت می‌کنیم که آقا باشید. بعضی از اینها که از فطرت انسانی بیرون هستند و بودند و رفتند، اینها می‌گویند نه، ما نمی‌خواهیم آزاد و مستقل باشیم! ما باید حتماً تابع مستشارهای آمریکا و مستشارهای اسرائیل باشیم!



عبدالکریم سروش: امروز نیازمندیم تا هنر ما مسلمانی‌تر و متعهدتر شود

عبدالکریم سروش ۱۳ بهمن ۶۶ و در جمع دست‌اندرکاران هنر و مدیرکل ارشاد اسلامی شیراز درباره هنر و جایگاه هنر در اسلام گفت: «هنرمندان غفلت فروش کارشان این است که تماشایی‌ترین موجود عالم یعنی انسان را تحقیر می‌کنند و به او می‌گویند ما تماشایی‌تر از تو داریم و او را مفتون می‌کنند و در نتیجه مفتون شدن غفلت شخص افزوده می‌شود و این هنر از غفلت انسان استفاده می‌کند و او را از خود بی‌خود می‌کند. بعضی‌ها برای فرار از خودشان به‌دلیل اینکه خود را زشت می‌بینند، به این غفلت‌ها روی می‌آورند و کار یا فراغت‌شان را در این غفلت می‌گذرانند. اما من می‌گویم هنر آن است که با دل‌ربایی به مردمان بیاموزد که نباید دل‌ربایی کرد. شخص هنرمند اگر خود آدم هشیاری باشد، هنرش هشیارآموز و غفلت‌زدا خواهد بود. اگر هنرمند آدم غافللی است و از غفلت لذت می‌برد، هنرش نیز غفلت‌آور است و توصیه‌ای نیست که از بیرون به هنرمند شود... اینکه هنر ما در گذشته اسلامی بوده است، این نبوده که هنرمندان می‌خواستند هنرشان را مصنوعاً اسلامی بکنند، بلکه سرش این بوده که هنرمندان ما مسلمان بوده‌اند و هنرشان میوه‌های آن درخت بوده‌اند. هنرمند زمانه ما اگر می‌خواهد مضمون و محتوای اثرش در راه اسلام باشد، شرط آن این است که هنرمندان ما شخصیت‌های آدید‌بد در تعهد اسلامی و تفکر دینی پیدا کنند و هنگام خلق آثار هنری نیز کاملاً غافل از این اندیشه‌ها و غوطه‌ور در آثار خودشان باشند. جهان‌ها و اندیشه‌هایی هست که نه عرفا به آن رسیده‌اند، نه فلاسفه و نه باطبع علم تجربی و آن جهان‌هایی است که ادیان به روی آدمیان باز کردند. اگر پیامبران نبودند، هیچ کس از عرش و بهشت و جهنم خبری نداشت. اینها چیزی نیست که به ذهن هیچ عارفی برسد که فی‌المثل بهشت و جهنم چگونه جایی است. مثلاً بسیاری از صفات خداوند فقط آموزش مستقیم ادیان است. ما شناختن این دنیاها را مدیون انبیای الهی هستیم. آنها درهای این دنیاها را به روی آدمیان باز کردند و حالا چه‌بخت برای یک آدم هنرمند متدین، متعهد، که دیانتش هم ابزار توفیق اخروی او باشد و هم ابزار توفیق دنیوی او، آدم هنرمندی که آن دنیاها را هم می‌بیند، بهتر می‌تواند در این جهان کار کند و اتفاقاً سرّ توفیق و سرّ شجاعت انبیا هم این بود. بعضی‌ها سوال می‌کنند که چرا اکثر هنرمندان در فساد اخلاقی غوطه‌ورند؛ هنرمندان در کثیری از جوامع وضع‌شان طوری است که گویا پرروی بعضی امور را ندارند و ملاحظاتی اخلاقی که باید در کارشان باشد، نیست. در جامعه خود ما هم در رژیم سابق عموم هنرمندان به این اوصاف متصف بودند. گذشته از محیط اجتماعی که ممد و معد این چیزها بود، یک سر دیگر هم وجود داشت و آن این است که هرجا آدم شروع به کاری کرد که برای دیگران حیرت‌آور بود و خلاقیتی داشت که دیگران را نسبت‌به او مفتون می‌کرد، این از محرکات قوی خواهد شد برای منحرف کردن خود آدمی و تزریق چیزی که به آن می‌گوییم «تشبه به الوهیت». این تنها از آن خداوند است که آدمیان در او حیران شوند و معنی کلمه «الله» همین است؛ یعنی کسی که مردم را و‌الله و مفتون خود می‌کند، لذا توصیه اخلاقی که به هنرمندان دارم این است که متذکر این مقام باشند؛ یعنی بدانند چه کار می‌کنند تا مبادا با تأثیر در دیگران، خودشان را بابابند و حیران خود شوند و در معرض گونه آفتابی که آفات قدرت است قرار بدهند. امروزه بیش از هرچیز ما به این تذکر نیازمندیم تا هنر ما هرچه مسلمانی‌تر و متعهدتر شود. »